

حقیقت

شماره ۱۲۸ ۲۷ خرداد ۱۳۶۰

تظاهرات موضوعی علیه حزب حاکم و سخنان اخیر خمینی در سراسر کشور استعفای اعتراض آمیز ۱۰۰۰ پارسا

پیام رئیس جمهور به مردم ایران

در همین صفحه

(آقای خمینی ! باید بدانید که محاکمه بنی صدر به محاکمه خودتان تبدیل خواهد شد)

چه کسی محاکمه خواهد شد؟

مجلس شورای اسلامی مشغول تهیه مقدمات استیضاح و بعد هم محاکمه بنی صدر می باشد پس از توقیف روزنامه و عزل وی از مقام فرماندهی کل قوا اکنون با پوش دوزیهای سران خائن حزب حاکم و اکثریت از تجاعی و نوکرمصفت مجلس برای خلع بنی صدر از مقام ریاست جمهوری و بعد هم قاعدتان حبس یا اعدام وی - البته اگر نقشه های تروری تا

آزما ن موفق نشود شروع شده است ، حکم نهائی قبلا توسط ریاله های حزب الهی درخیا - بانها اعلام شده است ، فعلا حزب حاکم با توجه به حمایتی که خمینی از حرکت آن میکنند

مطلحت این می بیند که حتی - المقدور بر نامه کودتای ضد ملی و خیانتکارانه خود را با صورت ظاهری قانونی پیش ببرد ، و به محاکمه کشاید بنی صدر با پیشنهاد شورای اکثریت

دست نشانده و یله قربان گوی مجلس گام مهمی در اجرای این طرح کودتا گرانده است ، انگار این مجلس اسلامی همان مجلس هفده زما ن حکومت ممدق تحت بقیه در صفحه ۲

مردم کشته ندادند، جوان ندادند، که حالا شما با طرح بیازش باعشی های تجاوز کار توافقی کنید...

صفحه ۲

آقای خمینی

مزدوران بیسرمی بنام فدائی اکثریت

صفحه ۱۲

چرا رئیس بانک مرکزی تعویض شد؟

صفحه ۲

کارگران پالایشگاه شیراز خواهان برگناری دولت رجائی شدند

صفحه ۱۴

نامه يك كارگر حفاری به حقیقت

صفحه ۶۴

اخبار چند روز گذشته

صفحه ۱۶

پیام بنی صدر

پیام بنی صدر رئیس جمهور کشور به مردم ایران ، که اخیرا انتشار یافته و بدین وسیله به تکثیر آن میگوئیم :

بسم الله تعالی

مردم مسلمان ایران : شما برای قاطع خود پیرایه ریاست جمهوری انتخاب کردید ، اینک میباید خود پیرسیداکرا بن جانب با توقعات قدرت کرایان همانگی میگردم آیا در وضعی که مراد آن قرار داده اند ، قرار میگیرم ؟ اگر زبان شما نمیشد و اعتراض میگردم ، اگر وضع کشور را روزنامه شما گزارش نمیگردم ، اگر هر چه واقع میشد را قانونی میگردم ، اگر با من اینطور میگردند ؟

بقیه در صفحه ۲

آقای خمینی

مردم گشتندادند، جوان ندادند، که حالا شما با طرح سازش بابعثی های تجاوزکار توافق کنید و حتی حساب خاک اشغال شده کشور را هم بمیان نیاورید!

اخیرا حزبی های ملعون، که خود را مالک الرقاب کشور می پندارند، طرحی را برای پایان دادن به جنگ نزد امام میبرند، بدین شرح که به بهانه داغ شدن قضیه، انبان ایران و حمله اسرائیل به آنجا مسئله مبارزه با صهیونیسم را در ذهن مردم ایران عمده کرده و سپس آنرا دلیل و بهانه ای برای کنار آمدن با رژیم عراق بر سر جنگ (تحت عنوان اینکه کشور های اسلامی باید علیه صهیونیسم متحد شوند) گردانند. خمینی با این طرح توافق کرد. توجه کنید که در این طرح کذاشی هیچ صحبتی از سرنوشت خاک اشغال شده کشور، جنایات مزدوران بعثی و تانوانی که با یدبابت و حشیکریها ایشان و خساراتی که برای کشور ما ببار آورده اند پدیدارند، موجود نیست. یعنی طرح اینها این است که اولش برویم و ببهانه مبارزه با صهیونیسم و وحدت کشورهای اسلامی سازش کنیم و از جنگیدن دست بکشیم و بعد تکلیف منطبق اعمال شده و حضور ارتش تجاوزکار عراق در بخشی از خاک کشور را معین کنیم - یعنی دقیقا کاری که در باره کروگانهای جاسوس کردند، یعنی اول آنها را آزاد کرد و حتی ۵ میلیارد دلار هم روی آنها گذارده تحویل آمریکا دادند و بعد هم روس شدن تکلیف تمامی دعوی و خواست های بحق ملت ایران را به حکمیت دادگانهای بین المللی و حتی بعضا دادگانهای خود آمریکا سپردند - یعنی هیچ چینی!

حالا طبق این طرح درباره جنگ هم اول میخواهند متارکه جنگ کنند و حتما یک چیزی را هم

به عراق (و طبعاً آمریکا) بدهند تا عراق واریا با نشان حاضر به متارکه شوند، و بعد در باره حضور نیروهای اشغال کرد در خاک کشور و مناطقی از دست رفته و خسارات و غیره وارد گفتگو شوند. قطعاً این مسائل را هم به حاکمیت هیئت های بین المللی خواهند سپرد، یعنی بدست بیاد!

اکنون معلوم میشود که خلع بنی صدر از فرماندهی کل قوا، که به تحریک حزب دولت مکتبی و در پرده دودی از شعارهای ظاهراً انقلابی صورت گرفت، به چه منظوری عملی شد. اکنون مردم می فهمند که ادعای ما، که همیشه متذکر می شدیم که حزبی های هوچی و خاشن میخواستند رهبری جنگ را بگیرند و با صدام حسین و ابر قدرتها سازش کنند، تا چه درجه درست و منطبق با حقیقت بوده است.

دقیقا در پی توافق امام یعنی فردای آن است که از طریق را دیو! اعلام میشود که برای با مصلاح مبارزه با صهیونیسم در لبنان اسرای عراقی را آزاد میکنند و حتی اسلحه بدستشان میدهند که بروند در لبنان بجنگند. بدینسان با این عمل به رژیم بعثی و تجاوزکار عراق علامت داده میشود که مسئله ما (یعنی حزب حاکم و دارودسته هوچی های خاشن) متارکه و سازش بر سر جنگ ببهانه مبارزه با صهیونیسم است. از این پس

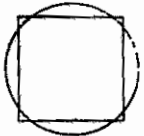
ورق پاره "جمهوری اسلامی" ارگان لجن پراکنی حزب حاکم به انتشار مقالات متعددی در باره صهیونیسم و ضرورت مبارزه با آن در شرایط فعلی مشغول میشود، عجیباً که در همین زمان است که به اشاره آمریکا صهیونیستها حمله ای ناگهانی به نیروگاه اتمی عراق میکنند تا قاعدتا عراق هم بهانه ای برای متارکه و سازش با دارودسته هوچی ایرانی ببهانه فوریت مبارزه با خطر صهیونیسم علیه ممالک مسلمان داشته باشد. بجز واضح است که طسرح خاشنا نه متارکه جنگ و سازش آنهاست، بدین نحو، با عراق طرحی است که در پشت پرده های ضخیم ویا نظراً آمریکا و اطلاع شوروی و دیگران ریخته شده و نتیجه محتوم آن از دست رفتن بخش هایی از خاک کشور و همچنین مدارک و اسلحه در تعویض سرنوشت این جنگ میباشد.

وجود این طرح و حرکت گام بگام هوچی های حاکم برای اجرای آن نشان میدهد که تبلیغات اخیر را دیو و تلسو بیرون در باره با مصلاح جنگ پس از خلع بنی صدر از فرماندهی کل قوا و پیروزیهای پی در پی هوچگری خاشنا نه ای بیانش نیست. پرده دودی است برخیا - نتی که دارودسته می شود - مثل قضیه کروگانها!

ما جدا در این باره به مردم ایران، به جوانان این مردم که دلیرانه برای دفاع

از وطن خویش در برابر توطئه گریها و طمع ورزیهای آمریکا و آلت دستها بش در منطقه می جنگند و خون میدهند، به تمام سربازان، درجه داران، افسران پاسداران، بسیجی ها و گروه های مسلح داوطلب، هشدار میدهم! میخواهند خون شهدای شما را غایب کنند و از پشت پرده فرزندان قهرمان کشور خنجر بکوبند. شما مدافعان کشور و ما که در کنار شما علیه اشغالگران آلت دست و مزدور بعثی می جنگیم برای آن خون نسبی دهیم که مثنی خیره سر خاشن وز دو بندگی از بالای سر ما با دشمن متجاوز کنار ریبیا پندوسر شرف ملی و خاک وطن معامله کنند و همچنین راه مداخله همان قدرتهای سلطه گری را در قضیه این جنگ و در نتیجه در کشور بگشایند که این جنگ را به ما ملت ما تحمیل کرده اند.

بها خیزید و اعتراض کنید! برادرم جنگ تا پیروزی نهائی یعنی تا خروج آخرین سرباز دشمن از آخرین وجب خاک اشغال شده کشور را رورزید و توطئه خیانکاران را درهم شکنید! در اینجا هم بازمی بینید که بدون تعیین تکلیف با حزب حاکم، با خیانکاران حاکم نمیتوان این جنگ را به پیروزی شرافتمندانه رسانید!



بقیه از صفحه اول
**پیام
 رئیس جمهور**

لور که بیسی به خود راه ندادند روزی گفتند تا گروگانها در دست ما هستند گلوگانها مهربا لیسیم آمریکا در دست ما است، و وقتش می تسلیم شدند گفتند گروگانها جنس بنجل بودند و آمریکا نمی خواست تا چا رشیم هر طور هست از سر با زشان کنیم خواهی آمد و خواهی هندگفت چاره نداشتیم جز اینکه به شرایط تسلیم بشویم.

مردم بدانید: .
 چها روز برخا رجه آمدند و پیشنها دکردند که قوای عراق به داخل خاک عراق عقب نشینی کنند و مقداری هم از مرز قاصه بگیرند و از طرف حریمی غیرنظامی بوجود بیاید و بعد سوار در اختلاف از طریق سیاسی حل گردد. ما از آنها خواستیم نقشه بیاورند و روی نقشه پیشنها دخواستیم برای ما روشن بگردانند و قرار بود ۱۸ خرداد بیا بپند که با ملاحظه وضع کشور منصرف شدند.

از ابتدای جنگ بدین سوا مرز وضعیت نظامی ما بهترین وضعیت است عقیده این جانب این بود که اگر ما را به حال خود بگذارند با چند پیروزی چشمگیر ما نه تنها پیروزی نظامی بدست می آوریم بلکه نقشه های آمریکا را در همه منطقه برهم میریزیم و میتوانیم عرصوم را در تاریخ آغاز کنیم. ضربه از خارج را تحمل کردیم ارتش مهاجم را متوقف ساختیم و شروع به اضمحلال آن نمودیم از پشت سر کردند آنچه کردند و شما از آن اطلاع دارید وضع جنگ تا این لحظه اینطور است هستیم و می بینیم که این وضع چطور تحول خواهد کرد. اگر این خطرها که بر شما میسر می شود شما مردم ملموس هستند و در دل خود حس میکنید که راست میگوئیم و با شما ما دقیقا حرف میزنم اگر متحان خود را داده ام که مقام و موقعیت مرا تفریفته و برای وفاداری به بدین و رای شما مسردم به همه چیز حاضر شده ام. اگر بر شما معلوم است که فرق است میان حرف و عمل وقتی انسان سوار اسب سرکش قدرت نشده و وقتی که سوار میشود و اگر میدانید که متحان واقعی وقتی است که انسان اسباب سوار شدن بر مرکب خود را به اراده داشته باشد و سوار نشود. با ورنه آنقدر خطرها را بر شما مردم همه خطرها نیستند و خطره های جدی هستند. با ورنه برای اینکه این خطرها پیش نیاید خود را در هر خطری افکنده ام. با ورنه آنقدر که یک لحظه از فکر این خطر بیرون نرفته ام و به هیچ کس خاشن نبوده ام و خواسته ام محیط امن و آزاد اجتماعی بوجود آید و کشور رشد سریع کند. به گمان اینجانب راه چاره آسان است به شما مردم سختم همواره این بوده است: روزیکه به دزد قول رفتم شهر در حال سقوط بود با ارتشیان صحبت کردم و به آنها گفتم شما به خود با ورنه نمیتوانید دشمن را متوقف کنید و بشکنید. آنها از این جانب پذیرفتند عمل کردند و موفق شدند. حالام به شما مردم میگویم شما به توانائی خود با ورنه نمیتوانید تسلیم جوسا زان و جماداران نشوید استقامت کنید راه همتای

بقیه در صفحه ۱۳

به بدین خودورای و اعتماد شما خیانت نکردم و تا جایی که توانستم کوسیدم. بسیاری جریانها را بموقع مطلع شدم و هشدار دادم، صدایم را در قیل و قیل جوسا زان کم کردند و اینک نیز مثل جدم حسین بی علی (ع) آنچه از خطرها که میبینم برای شما پیش بینی میکنم:

- ۱- استقلال اقتصادی با بودجه ای که تهیه کرده اند و با نفتی که ما در میکنند و با قرار داده نیکه مفاء میکنند از بین میروند و چون امنیت نیست وضع شما محرومان جامعه بدتر خواهد شد و کرانی و بیکاری روزگار شما را سیاه خواهد کرد.
- ۲- استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی و با وجود ناسا امنی داخلی و جنگ خارجی از دست خواهد رفت.
- ۳- از آزادی چیز چندانی نمانده است فقدان امنیت تا بدانجا است که لیره سید تومانی دوسال ونیم پیش ۵۰۰ هزار تومان شده است، روزنامه ها تعطیل و زبانها تیز بسته شده اند و در آینده از اینهم بدتر خواهد شد. گروهی که همه مقامات را بسته تصرف در آورده است به لحاظ بدتر شدن وضع و بی اعتبار شدن در افکار عمومی روز بروز بیشتر به وسایل اختناق آوریها خواهد برد و خود قربانی همین جریان خواهد شد.
- ۴- روزی محکومی در پای چوبه دار گفت: ای آزادی چه جنایتها که بنام تو نمیکند.

۵- این جانب هیچ گناهی جز اینکه خواسته ام استقلال و آزادی و اسلام بعنوان تضمین کننده استقلال و آزادی و زمینها را رشد و تعالی همه جا نبه انسان به اجراء در آید، نداشته ام و نندارم.

از اسلام بان نخورده ام اما عمر را در خدمت آن گذرانده ام بشما مردم گفتم کودتای خزنده اجرا میکنند و مرا حل آنرا هم یک بیک شرح کردم و تا اینجا نیز بهمان ترتیب انجام داده اند و مرحله آخر آن که سلب عنوان ریاست جمهوری و گرفتن جان اینجا نبه است را نیز دست در کارند تا انجام دهند. اگر چنین کردند علاوه بر آنچه در بالا پیش بینی کردم امروز نیز واقعه خواهد شد.

الف: برخوردهای پایدار در کشور بر برخوردهای مسلحانه کنونی افاقه خواهد شد و خود بر مشکلات بالاخواهند افزود. مردم ما کروکوری نیستند و وضعیت روزمره خود را می بینند و می بینند که دو سال ونیم حکومت حزب حاکم روز بروز وضعیت کشور را بدتر ساخته است. امنیت از بین رفته است، اقتصاد فلج شده است جنگ داخلی و خارجی بطور مستمر ادامه دارد و اینک خطر گسترش آن نیز هست.

ب- جنگ تحمیلی در صورت طولانی شدن به فرسودگی کامل نیروهای ایران و عراق می انجامد و در خاور میانه زمینها جرای برنامهای آمریکا فراهم میگردد و همها نظور که در جریان گروگان گیری ملاحظه کردید تا چاره شرایط تنگینی تن خواهند داد. همان

اخبار و گزارشهای مبارزات مردم را به هر طریق ممکن برای ما بفرستید و درجه موثق بودن و قطعیت آن را معین کنید. مقاله ها و اعلامیه ها و روزنامه ها را به هر طریق ممکن تکثیر کنید.

چرا رئیس بانک مرکزی تعویض شد؟

که منجر به برکناری رئیس بانک شد بر ملامت و نشان میدهد که چرا آقایان مراد را رند که یک سرپرست مکتبی که به فرمان همایونی ایشان گردن نهید بر سر کار آورند!

اگر خواهد و کسل آنت الله طالقانی را دستگیر کنند به او اسباب خارج کردن ارز کشور را میسندند. اگر با رئیس بانک مرکزی دعوا سازد، او را به فراری دادن طاغوتیان و خارج کردن ارز میسند. اگر بخوانند، بیس جمهور را حذف کنند میگویند که او طرفدار سرمایه داران و وابسته به غرب است و جنین مسلمانان است که خودساز طرفدار زحمتکاران ایران میباشد. اما خوش بود که محک تجربه آید به میا.

تا نگوسا رشود هر که در او غش باشد سلسله اسنادی که از نظر میگرداند مربوط به تلاش های حرسون برای کسب اجازه خروج از کشور برای آقای امیرانسی است. آقای امیرانسی از آن گردن کلفت هائی است که دستکم چهل میلیون تومان از اموال این ملت را به خواسته ها راسد و قانونا بنیادینا ایجاد شرایط لازم برای پرداخت این بدهی کلان اجازه خروج از کشور را داشته باشد. اما آقای امیرانسی را دستکم نگیرید، ایشان با مقربین درگاه حزب جمهوری اسلامی سرورری دارند و ناگهان از طرف آقای فواد کرمی و محمدرضای نحونی از نمایندگان استبداد در مجلس سیل نامه و سفارش برای وادار کردن بانک مرکزی به صدور اجازه جاری میگردد و با الاخره پای قدوسی دادستان کل هم به میان کشیده میشود و هم به دفاع از جناب امیرانسی این مستضعف چهل میلیونی، بر میخیزد!

این داستان و داستان های مشابه که در آن از مخالفت های رئیس بانک مرکزی با نفسه های حزبین برده سرد است مسند بود، ربه های آن عدم هماهنگی میان مسئول بانک با دولت حزبی را

جمهوری اسلامی ایران
تاریخ: ۱۳۰۹ / ۴ / ۱۳

در زمینه موافقت با توشیحی که وشبه نزد بانک و تند بدست های ایشان بعمل آورده اند و همیگفته اقدام بشی جهت برداشت بدست های منبر از طرف ایشان تاگوشی بعمل نیامده است.

منبر مراتب ابرق و از آنجا که طالبات بانکها از اشخاص جزء بیت المال بوده بانکها نمیتوانند حسابها و مطالبات آنها را بپردازند و این امر باعث اختلال در جهت وصول مطالبات بانکها میگردد و لذا بانکها تقاضای در صورت اعطای ضمانت کالی و وثایق قبول قانریه موافقت با خروج آقای امیرانسی از کشور میباشند.

طوبه انصوری
رئیس هیات امالی بانکها

رو نوشت بضمیمه فتوایی نامه های آقایان فواد کرمی و شهبازی جهت استحضار حضرت حجت الاسلام والمسلمین طوبه انصوری در استان گل انستلاب جمهوری اسلامی ایران امضاء میگردد.

ایران طوبه انصوری
رئیس هیات امالی بانکها

شماره: ۱۲۸
تاریخ: ۱۳۰۹ / ۴ / ۱۳
بنام خدا

بانک مرکزی ایران
آقای جعفر شهبازی و امضا

نماینده محترم مجلس شورای اسلامی

بازگشت بنامه مورخ ۱۳۰۹ / ۶ / ۸ جنابعالی در مورد معرفی آقای رضا امیرانسی و توضیح برای صدور اجازه خروج ایشان از کشور مراتب در جلسه مورخ ۱۳۰۹ / ۶ / ۸ شورای امالی بانکها مطرح و شورا مقرر نمود مراتب زیر باستحضار جنابعالی برسد.

۱- بر اساس لایحه قانونی مسوولیت خروج بدهکاران بانکها مصوب ۱۳۰۹ / ۲ / ۲۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و خروج بدهکاران بانکها از کشور به منظور تقاضای بانک طلبکار توسط به اجازه بانک مرکزی ایران میباشد و لذا نحوه صدور اجازه خروج آقای امیرانسی توسط دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران که در نامه فوق الذکر جنابعالی بدان استناد شده است برای شورای امالی بانکها مشخص نیست.

۲- آقای امیرانسی حدود ۴۰۰ میلیون ریال به بانکها بدهکار میباشد و در مقابل قسمت عمده ای از شایقی ایشان نزد بانکهای طلبکار در راستای تحولات حاصل از انقلاب اسلامی ایران قابلیت تبدیل به نقد خود را از دست داده است و از طرف دیگر قسمت اعظم سفته های ایشان نزد بانکها و اخواست گردیده و بطریق مساعد تنها بدهکارهایی که بانکها بخواهند شورای امالی بانکها

شماره: ۱۲۸
تاریخ: ۱۳۰۹ / ۴ / ۱۳
بنام خدا

بانک مرکزی ایران
حساب آقای فواد کرمی
نماینده محترم مجلس شورای اسلامی

بازگشت بنامه مورخ ۱۳۰۹ / ۶ / ۸ جنابعالی در مورد معرفی آقای رضا امیرانسی و توضیح برای صدور اجازه خروج ایشان از کشور مراتب در جلسه مورخ ۱۳۰۹ / ۶ / ۸ شورای امالی بانکها مطرح و شورا مقرر نمود مراتب زیر باستحضار جنابعالی برسد.

۱- بر اساس لایحه قانونی مسوولیت خروج بدهکاران بانکها مصوب ۱۳۰۹ / ۲ / ۲۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و خروج بدهکاران بانکها از کشور به منظور تقاضای بانک طلبکار توسط به اجازه بانک مرکزی ایران میباشد و لذا نحوه صدور اجازه خروج آقای امیرانسی توسط دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران که در نامه فوق الذکر جنابعالی بدان استناد شده است برای شورای امالی بانکها مشخص نیست.

۲- آقای امیرانسی حدود ۴۰۰ میلیون ریال به بانکها بدهکار میباشد و در مقابل قسمت عمده ای از شایقی ایشان نزد بانکهای طلبکار در راستای تحولات حاصل از انقلاب اسلامی ایران قابلیت تبدیل به نقد خود را از دست داده است و از طرف دیگر قسمت اعظم سفته های ایشان نزد بانکها و اخواست گردیده و بطریق مساعد تنها بدهکارهایی که بانکها بخواهند شورای امالی بانکها

چرا رئیس ...

بقیه از صفحه ۴



مجلس شورای اسلامی ایران

شماره ۱۲۸ / ۱۳ / ۱۳۵۹

در زمینه موافقت با توشیح بانک رفیق نزد بانک و تعدد بدست های ایشان بحمل آورده اند و هیچگونه اقدام مثبتی جهت پرداخت بدیهیای منسوب از طرف ایشان تکلیفی بحمل نیامده است.

بنا بر مراتب فوق و از آنجا که مطالبات بانکها از اعضاء جزء بیت المال بوده و بانکها بعنوان حافظ بیت المال موظف به امداد نهایت سعی و اهتمام در رجعت وصول مطالبات بانکها میباشند لذا بانکها فقط در صورت اخلال تضمینات کافی و قابل قبول قادر به موافقت با خروج آقای امیران از کشور میباشند.

طرح شصت و نهم

رقم شورای عالی بانکها

رو نوشت بضمیمه فتوکپی نامه های آقایان فواد گریس و جعفری جهت استحضار حضرت حجت الاسلام والمسلمین علی قدوسی دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران ابلاغ میگردد.

طرح شصت و نهم

رقم شورای عالی بانکها



مجلس شورای اسلامی ایران

اداره در صحت اعتبار اولاد اعتبار در صحت معامله شماره ۴۴۸۹

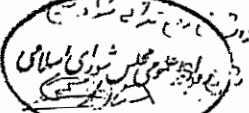
تاریخ ۱۳۵۹/۸/۶

حضرت فواد گریس و جعفری در خصوص ...

دو نفری که با دولت امیران در دستش ...

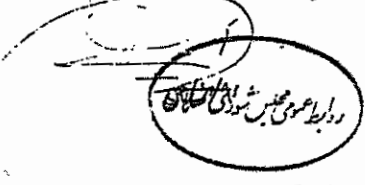
تا در این ...

بسیار در ...



حضرت آیت الله العظمی

بسم الله الرحمن الرحیم ...



دولت جمهوری اسلامی ایران

۱۳۵۹/۱۰

سلام به است کل بانک از: مهدی سرانی موضوع: درخواست مطالبات سیستم بانکی کشور از آقای رضا امیران

طبق دستور جنابعالی پیرونده آقای رضا امیران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و طبق اطلاعاتی که در مورد تصدیقات ایشان توسط آقای قدوسی از بانک ملی ایران گرفته شده مراتب یاد بلاگه استحضار بان میسر ماند:

۱- بانک ملت ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل سفته شخصی و سایر اشخاص مرکب اعتباراً و خواست شده.

۲- بانک تجارت ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل ضمانت نامه ایزر ۲۰ میلیون ریال بقیه در مقابل سفته.

۳- بانک مسکن ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل ضمانت نامه ایزر ۲۶۵ میلیون ریال بانک مسکن بدون هیچ تضمینی اول.

۴- بانک ملی ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل ضمانت نامه ایزر ۸۶ میلیون ریال مسکن بوده و بانک ملی حوالتاً از تاریخ مورخ ۵۹/۶/۱۱ بدون مرتجع دوم همان وثیقه را بدون نموده است.

۵- بانک سپه ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل سفته.

۶- بانک صادرات ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال در مقابل سهام بانک (از لحاظ حقوقی جمع حقه است) ۱۶۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال

با توجه به مراتب فوق همانگونه که استحضار دارید آقایان محضر شحون فواد گریس و جعفری نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۸ که فتوکپی نامه های آنها پیوست میباشد توصیه نمودند که چون برای اطمینان آقای رضا امیران در حال انقضاء میباشد و مورد باید جهت برگرداندن جایز شده خود به انگلستان بوده از نظر آقای قدوسی مسئله دادستانی ایشان را هجمام کرده ایم دستور فرمایید هزینه زودت برای ایشان رفع نگردد و شورای عالی بانکها هم در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۳ طی دو نامه بمنه آقایان محضر شحون و جعفری

دولت جمهوری اسلامی ایران

۲

و فواد گریس مخالفت خود را با انجام این تقاضا اعلام داشته و روایت آنرا هم بضمیمه فتوکپی نامه های آقایان مل بوریه استحضار آقای علی قدوسی دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسانید. مع الوصف بقرا اطلاع آقای رضا امیران در وقت از کودتای نظامی سرکبه از مرز ازگان خارج شده و بعداً در انگلستان است و بانک ملی ایران هم طبق دستور شورای عالی بانکها موضوع نامه شماره ش ۱۴۷۳ مورخ ۱۳۵۹/۵/۲۹ ضمن واخواست سفته های مشارالیه از صدور اجرائیه و تحویل سفته خانه ایشان خود داری نموده است.

آقایان

پوست: کله سوابق

نامه يك زن خانه دار از

مسجد سلیمان به حقیقت

برای اجناس و غیره برایمان بوجود نیاورد که از خیانتها ایشان خبری نداشته باشیم خلاصه اکثر محلات مسجد سلیمان فاقد آب آشامیدنی هستند و بارها و بارها به شیوه های متفاوت با سازمان آب و برق تماس گرفتیم و آنها ما را مانند یک توب فوتبال به این طرف و آن طرف پاس میدهند و هیچگونه نتیجه ای تا بحال نگرفته ایم. در نتیجه تصمیم گرفتیم که به اتحادیه کمونیستهای ایران که پشتیبان مردم زحمتکش این مرز و بوم است و به جز حقیقت و درد دل مردم چیز دیگری بیان نمی کنند تا ما ی بنویسم تا در نشریه حقیقت به چاپ برسانند تا حداقل مردم سراسر ایران از مشکلات ما اهالی مسجد سلیمان بخصوص محلات سی برنج و نمره دو با اطلاع باشند و بدانند که در شهرهای مردم از بی آبی و کم آبی رنج میکشند که رود کارون در نزدیکی آنست و اگر دولت در فکر مردم بود برآستی این مسئله را میتوانست حل کند. راستی که برای حل مشکلات روزمره مردم نیز به دولتی انقلابی نیاز داریم.

گاهی تلویزیون از طرف جها دسا زندگی فیلمهایی درباره لوله کشی آب آشامیدنی و غیره در روستاها را نمایش میدهد. کسی که با درد دل مردم زحمتکش آشنا نباشد باید دید چینی فیلمهایی تصور میکنند که واقعا دولت آقای رجایی در فکر مردم است که حتی در روستاها هم لوله کشی آب کرده اند. ولی وقتی به میان مردم بروی و آنها برایت درد دل کنند میفهمی که نه تمام این نمایشات چیزی جز فریب مردم نیست چون وقتی در شهرها مسئله نبود آب و... مشکلات مردم است و به آن رسیدگی نمیکنند و بیکروای بحال مردم روستا من مانند تمام مسردم محله ما ن هر روز صبح کارمان آب کشیدن با سطل است و گاهی نیز اصلا آب نداریم و تمام فکر و ذکر ما ن در این گرمای سوزان خوزستان همین مسئله شده است و آنقدر در فکر این مسئله هستیم که مسائل مملکت فراموشمان شده است. یکمرتبه می فهمیم که دولت آقای رجایی قرارداد ایران ناسیونال با شرکت تالیوت انگلیسی و قرارداد دبا زرکانی با نیروی با ملاح انقلابی بسته است تا یدمیخواهند عمدا مسائل مثل آب و صفهای طویل و دراز

نامه يك کارگر حفاری به حقیقت

های کارآموزی را تعطیل نمود. کلاسهای که در زمان ما قیسان با زحمت نماینده ها با زنده بود و برای پیش برد صنعت حفاری در آینده و این آقای بظاها انقلابی میگفت کلاسها باید تعطیل شود چون دفتر برای کارمندان کم است. اگر این موضوع را با یک کسی که از صنعت حفاری سر رشته ای نداشته باشد در میمانان بگذاریم. میداندومی فهمد خیانت به این صنعت است. صنعتی که سرنوشت این مملکت بستگی به آن دارد و این کارهای رضایان بورها و مافیانها و شماسی ها خواست شیطان بزرگ آمریکای جها نخواست. ماه گذشته ترا شد و ما می به کارگران پرداخت نمایند و ما کارگران گفتند دوام هفت هزار تومان است ولی بعدا با اطلاع شدیم تعدادی از کارمندان و نماینده های اهواز بیست و زیست هزار تومان دریافت کرده اند و این هم یکی از دسته کللهای شاگرد مکتبی آقای (رجائی) که میگفت فرقی بین من و یک دهقان وجود ندارد. هنوز معلوم نیست این شرکت ملی شده یا نه وضعیت پرستلی را هنوز معلوم نکرده اند. شاید بخوانند مبرکنند تا شیطان بزرگ بیاید و تصمیم بگیرد. بودن این عوامل سرسپرده در این شرکت کاری از پیش نخواهد رفت و شاید به سرنوشت مجتمع صنایع فولاد دجا رشویم. کارگر حفاری

با سلام خدمت ناشرین نشریه حقیقت. در یکی از شماره های این نشریه موضوعی مربوط به شرکت ملی حفاری چاپ شده بود که مورد استقبال کارگران این شرکت قرار گرفت و اینجا نب یکی از کارگران این شرکت بظا هر ملی هستم و چون بجا باین نامه در نشریه حقیقت اعتقاد دارم مشکلات این شرکت را ذکر میکنم و امید است به جاب آن جلوا عمال فدا سانی و فدکارگری مدیر عامل شماسی و بیاران گرفته شود. یکسال و چند ماه از ملی شدن این شرکت توسط کارگران می گذرد ولی هنوز مشکلات فراوان و توطئه های آشکار چشم میخورد و طول این مدت شرکت ملی حفاری صاحب سه مدیرعامل شد. اول رمفا سپور، دوم مافیان و فعلی محمدرضا شماسی. آقایانی که آمدند بعنوان مدیرعامل برای خدمت به صنعت حفاری نیا مده بودند بلکه با نقشه های قبلی برای انحلال این شرکت آماده بودند بگذریم که رمفا سپور و مافیان نتوانستند نقشه شوم خود را اجرا کنند و این بود که دنیا له کار خود را با طرح جدید تقدیم آقای شماسی کردند. با پیش بینی حمله عراق به ایران چند دکل حفاری را از اهواز به نوار مرزی فرستادند اما لبته در زمان آقای مافیان که کار حفاری را هم شروع کرده بودند عراق آمد حمله کرد و دکلها را نابود و تعدادی از کارگران شرکت ملی حفاری را به اسارت گرفت. با این خیانت دیکر جای ماندن برای مافیان نبود. او رفت و شماسی آمد و اوائل آمدن شماسی خیلی ساده میگفت من ه هرا کارگر حفاری را نمی شناسم و مسئولیت قبول نمی کنم و سه ماه حقوق کارگران را لغو کرد و با تلاش نماینده ها فرمهای آورده اند و هر یک از کارگران فرمها را پر کردند تا حقوق عقب افتاده را دریافت کنند. بعد از آن شورای کارآموزان را منحل کرد و کلاسی

حقیقت

ارگان

اتحادیه کمونیست ایران
را بنواشد

سر مقاله

بقیه از صفحه اول

ریاست آیت الله کاشانی است که به همین کارها با مصدق مشغول بود و عاقبت مردم رای بها نخل آن دادند. البته امروز برای کار درست نمی شود؛ زیرا اینها حتی نمی گذارند مردم رای خود را بدهند. نتیجه بزور و فساد خود مردم، با برخاست انقلابیان، میشود این مجلس تحمیلی و فاسد را منحل کرد و در آن را بست. اما در این میان خمینی با تائید و تشویق این حرکت ارتجاعی و تحریک آمیز مجلس و اکثریت فاسد و خاشاک آن بسا دست خود خرد را در تیسررس مخالفت و خشم مردم قرار می دهد. قبل از آغاز بحث استیضاح و اتهام زنی به بنی صدر در مجلس، هتک میگردانند و سنجایی برای کسب تکلیف راجع به این مسئله سراغ خمینی رسد

و پیشنها داد اکثریت مرتجع مجلس را در باره به زیر سوال کشیدن رئیس جمهور طرح کرد، خمینی فوراً چراغ سبز را نشان داد و گفت که مجلس یعنی همین اکثریت ارتجاعی و مفرض آن هر چه صلاح میداند بکنند و بیسی ندانسته باشد. این اجازه و تائید خمینی بمعنای آنست که وی تا حد به محاکمه کشاند بنی صدر و خلع وی از مقام ریاست جمهوری - البته با ظاهری قانونی - و بعد هم قاعدتاً اعدام وی به جرم با صطلاح "خیانت" (قاعدتا به ولایت فقیه!) میخواهد پیوسته رود، لیکن خمینی با اینکار خود را به عرصه محاکمه مردم خواهد کشید و خواهد دید که دودا بیسن آتشی که هر روز بر آن بیسنتر می دمدا عاقبت به چشم خودش فرو خواهد رفت.

زیرا برای مردم ایران خیلی واضح است که چرا میخواهد بنی صدر را محاکمه و خلع و مجازات کنند. رئیس جمهور را باید زیر سوال کشیده شده و با مستثنی آنها مات جعلی، که رجا له های حزب الهی و توده ها بها هر روزه در خیا بها آنها طرح میکنند، به دست حاکم شرع سپرده شود، چون گفته است در جمهوری اسلام می سن نوع زندان وجود دارد

و در این زندانها شکنجه میکنند چون گفته است مردم در ایسن جمهوری هنوز تا مین ندارند و اینکها کرا لایحه قصابی اجراء شود پس از مدتی اکثریت مسردم دست نخواهند داد است، چون گفته است رئیس شورا بها لی قضا ئی غیر قانونی عمل میکنند و رجا ئی و بنیوی و شرکاء بها بستن قرار داد ضد ملی الجزایر و بزدل و بخش بیسنش از ۵ ملیا رددلارا ز شروت کشور بها با نکداران آمریکائی وارو - یا ئی خیانت کرده اند و با یسن تحت تعقیب قرار گیرند؛ چون قرار داد خاشاکانه دولت با تالیوت انگلیسی را زیر سوال برده و چندا اعلام جرم علیه برخی از مسئولان حزبی مملکت نوشته است؛ چون بها رها بدرستی طرح کرده که حزب و دولت تحت الحما به آن در کار جنگ مقا و مست در جنوب و غرب کشور و در پشت جبهه ها اخلال میکنند و در پرده دودی از شعارهای ظاهرا انقلابی مشغول زد و بند بها آمریکا و خیا نت هستند، و

اینها است که آقای خمینی با بیسن کشیدن بها نه خلاف قانون و مجلس عمل کردن بنی صدر و رویشان سرپوش میگذارد؛ در حالیکه و خوب میداند که این مدعیان حاکمیت قانون و ایسن

مجلس مشغول این خیانتها و بستی ها هستند و او اسناد و مدارک تمامی این کارها و مسائل را مآهده کرده است. ولی او بها بدبدا ندو میداند، که این کارها و مسائل مورد اعتراض شدید و خشم مردم است و بنی صدر تازه بخشی از آنها را طرح کرده و خیلی بستی ها و خیانتها ی دیگر هم وجود دارد. به عبارت دیگر در اینجا اصلا مسئله شخصی بنی صدر و محاکمه وی نیست، و خمینی عملا بها رفتن پای محاکمه و کوبیدن بنی صدر، مردم را بسه محکمه میکشاند و میگوید؛ ا عترک مات و خواستهای مردم است که زیر عنوان مخالفت با قانون و مجلس گذا ئی مورد حمله قرار میدهند.

در نتیجه خمینی با ایسن کارش خودش را در برابر مردم قرار داده و زیر سوال و محاکمه مردم میکشاند. مردم بجای آن که نظاره گر مقدمه جینی های با صطلاح قانونی مجلس برای محاکمه بنی صدر باشند، خمینی را در باره این خیا ننها و بستی ها ئی که مجلس مورد تائید و تشویق او و بر آنها صحه گذا رده است، و همچنین این مجلس را، به محکمه خویش خواهند کشید و قضا و تی سخت خواهند کرد.



کمکهای مالی دریافت شده

نام	کد	مبلغ	شهر
کارگر - ی	۵۰۰	ریال	تهران
کارگر - ر	۷۰۰	"	"
کارگر - ل	۲۰۰	"	"
م	۵۰۰	"	"
ر	۱۰۰	"	"
م	۴۵۰	"	"
م	۴۵۰	"	"
ف	۶۸۲	"	"
علی اکبر	۱۰۰۰	"	"
خ	۳۰۰۰	"	"
چ - د	۵۰۰	"	"
کارگران مانین سازی	۴۰۰۰	"	"
ن - آ	۷۰۰۰	"	"
ح	۳۲	"	"
اصغر	۱۰۰۰	"	"
ی - س	۴۲	"	"
ح - ا	۲۰	"	"
ع - م	۱۰۰۰	"	"
ی	۲۰۰۰	"	درود
ر	۸۰۰	"	بندر عباس
ف	۱۰۰۰	"	"

گزارشی از بیمارستان شرکت نفت آبادان واخلاق‌گریهای مرتجعین حزبی

بیمارستان شرکت نفت آبادان، عمده‌ترین و مجهزترین بیمارستان و فعال‌ترین مرکز درمانی در دوران جنگ بوده است. این بیمارستان ارتش جغرافیائی مونتعبب خطرناکی داشته و با بحال سرحدی با مرور اماست خصما ره و خصمه واقع شده است. این بیمارستان بطور معمول حدود ۴۰۰ پرستار دارد که در مونتعبب جنگی فقط تعداد ۱۲۰ نفر از اینها بوده اند که ماه به ماه عوض و بدل شده اند. یعنی هر ماه ۶۰ نفر از اینها می‌آیند و بقیه (یعنی ۲۲۰ نفر دیگر) در مناطق غیر جنگی می‌ماند. این ۱۲۰ نفر پرستار اکثراً (بفول خودسان) برای انجام وظیفه مذهبی خود و بیجا طر مردم و از زاویه میهن پرستی حاضر میشوند. زیر خصما ره و خصمه به آبادان آمده و در اینجا کارکنند. یعنی با وجود اینکه بعضی وقتها حتی حقوقشان (مزد) در سطح پایینی بری سبب به دیگران بوده و شرایط غذایی و بهداشتی بدتری هم داشته اند، با همه اینها به دلایلی که ذکر شد حاضر بوده اند به آبادان آمده و وظیفه خود را انجام دهند، وظیفه‌ای که به خاطر سول بلکه برای خدمت به مردم و انقلاب ایران است. ارا بیدای جنگ همراه با اس پرستاران، تعدادی هم دختران دا و طلب (جواهر) به اس بیمارستان آمدند که بسیاری بدون حقوق و فقط ارا و به خدمت کار میکردند. نه روز زمان حربا با حزبی موجود در آبادان و بیمارستان، شروع کردند به پاکسازی این افراد. یعنی هر کسی را که کرابین سیاسی به نیروهای مرفقیی داشت، اخراج کردند. بعدها افراد طرفدار حکومت ولی غیر مکتبی (مثل توده‌ای‌ها، ام‌تی‌ها و اکثریتی‌ها) راهم تا جایی که نتوانستند، اخراج کردند. یعنی فقط افرادی را که "مکتبی" بودند که داشتند. این افراد هم از زاویه اینک جنس‌دان وارد نبودند، خیلی وقتها نا آکا‌ها نه، در انجام صحیح وظایف پرستاری (مثل رعایت اصول بهداشتی و پزشکی) اخلالگری میکردند. غیر از این مسئله خیلی از آنها آکا‌ها نه و برخی نا آکا‌ها نه و سبب ای شده بودند در دست عوامل حزبی بیمارستان برای جاسوسی و تهدید پرستاران و حتی پزشکان بیمارستان. عوامل حزبی که می‌دیدند آنطور که میخواهند سلطه و قدرت دلخواهشان را نمی‌توانند بروی پزشکان و پرستاران بیاورند و آنها برده و اربابه تفیش عقاید و استبداد آنها تن نمی‌دهند و مستقیم و غیر مستقیم با آنها به مخالفت و مبارزه برمی‌خیزند، سعی کرده اند به خیال خود "انتقام" کشیده و استبداد، اخلالگری، تفرقه اندازی در بین افراد و نارضی کردن و خلاصه خالی کردن جبهه‌ها (و در اینجا بیمارستان) که اهداف و عملکردها و قعیشان در جریان جنگ بوده است را به انجام رسانند. از اول جنگ به طرق کوناگون سعی کردند با ایجاد محدودیت و اختناق، کارکنان رسمی بیمارستان را مرعوب و مطلوب خود نما بیند که عمدتاً نتوانستند. بخصوص بعد از سفر نمایش و خود نما یا نه، رفتن جانی و رجا ئی به آبادان که به حق از طرف همه مردم شهر و بخصوص کارکنان بیمارستان مورد کم محلی وحسی افساگری قرار گرفتند، دست سنا تکان حرب جری تر شده سعی کردند با زور و حتی گذاشتن محافظ، تما و بیرو نقل قولها و مدح و ثنا های گفته شده در باره سران حزبشان را بر

از چند هفته گذشته یک روحانی بنام طاهری به این بیمارستان آمده که در اولین جلسه همه پرستاران را جمع کرده و مستقیماً بدترین فحاشی‌ها و توهین‌ها را (که زمینده خود و "خواهران نشان" و اماکن کاروا قاتمتان هست) نثار پرستاران پزشکان، دبیرکارکنان و خلاصه کل بیمارستان شرکت نفت کرده است. این مردک مرتجع علناً و رک و راست گفته که اینها فاحشه‌خانه است و "دانشک" راه انداخته اند و مشروب‌خانه است و افراد اینجایی دین و بی حجاب و عریان و... هستند. حرفهای اس فرد به حدی و قبیحانه و تحریک کننده بوده است که تقریباً تمام پرستاران را که در ابتدا قصد داشته اند تا کم محلی به او برخورد نکنند، ناراحت و عصبانی کرده و همه حرفهای او اعراض کردند. پس این فرد اعلام میکند که ما از همه کردار و رفتار شما (پرستاران) سوار و مدرک داریم و وقتی که یکی از پرستاران میگوید که شما جاسوسی هم میکنید، میگوید که این جاسوسی نیست و عمل شرعی است. خلاصه این آقای طاهری و عوامل همدستش سعی میکنند در آن جلسه با استناد به برخی واقعیتها ئی که در واقع عملکردهند و در کل بیمارستان بوده، فداکاری، خدمت و انجام وظیفه درست و انقلابی تمام کارکنان بیمارستان را به لوث کشیده و آنها را مجبور به قبول شرایط اختناق و قرون وسطائی خود در باره نوع لباس و رفتار و افکار بنمایند. البته این آقای روحانی همچون دیگر همدستان حزبی‌ش خوب میتوانند اعمال غلط و منحرفانه چند فردا ز پرستاران را به حساب همه بگذارند، ولی به نفع خود و عواملشان نمی‌بینند که به عمل کورتاژ که توسط سه تن از خواهران "مکتبی" شان که در همین بیمارستان در عرض چند ماه گذشته انجام شده، آثاره کند. به هر حال بعد از آن جلسه، در بین تمام پرستاران و کارکنان بیمارستان صحبت مخالفت و اعتراض شروع میشود و حتی برخی میگویند که اگر وضع به این صورت باشد ما دیگر به آبادان نخواهیم آمد و صحبت از این میشود که صدای اعتراض به حق خود را به طرق مختلف به گوش مردم ایران و مقامات شرکتی و دولتی برسانند. بعد از چند روز آقای طاهری و عوامل حزبی‌ش که در پیش که در مقام مورب بیمارستان و شهر هستند، بسیاری فریب پرستاران و در ضمن جلوگیری از رشد مخالفت و مقاومت آنها عده‌ای از پرستاران را جمع کرده و بطور غیر مستقیم عقب نشینی کرده و عذرخواهی میکنند. البته گفتنی است که حزب سون حاکم بر بیمارستان همچنان بر انجام شرایط تحمیلی و مستبدانه خود با فشاری کرده و جاسوسی و جواختناق حاکم بر بیمارستان را تشدید میکنند.

گزارشی از بیمارستان...

بقیه از صفحه ۸

خبری از اهواز:

توهین به شهدای مردم توسط عوامل حزب

روزی پنجشنبه ۶۵/۴/۷ در بهشت تهادی اهواز ساداتی بودند که عده‌ای با لباس شخصی که بعضی هم ملبس به لباس سیاه بودند، در بالای قبر شهدایی از جنگ جمع شده، و ضمن توهینهای ناروا و بجرم اینکه این شهید کمونیست بوده به قبرش توهین می‌کردند و سنگ می‌انداختند و با لگدمال سنگ قبر او میکوبیدند و یکسایان سعی داشتند که روی سنگ قبر را کل مالی کند و یکسایان ادعا میکرد که شرم از حضور مردم دارد و گرنه به روی آن می‌سایند، و میگفتند که جای این اینجا نیست و باید از این محل بیرون اسداخته شود. موضوع دست به جاهی "باریک" می‌کشید که عده‌ای از مردم به آنها اعتراض میکنند یکی از میان مردم با صدای بلند میکوبید هر کسی که در این محل بخاک سیرده شده فرزند من است، اینها همه برای ما قابل احترام هستند و کسی حق توهین به آنها را ندارد، خواه کمونیست با سدا نباشد. (لازم به توضیح است که این قبر متعلق به عنایت الله رشیدی بوده که چند ماه قبل در جبهه‌های جنوب شهید شده است).

بقیه از صفحه ۱۴

مردم چه میکنند

تعدادی صحبت میکردند که تا زه اول اوضاع است و از اینها هم بدتر خواهد شد. تنها هراتها مثل زمان انقلاب ادا مه خواهد داشت. و حزب نیز مثل شاه سرنگون خواهد شد. مادری با نا اراحتی و عصبانیت، در برخوردی به رجاله بازیهها و شعرا ره‌ای گروهی از او باش حزب اللهی، گفت: "این همه جوانان ما که کشته شدند، جوانان خون دادند، اینها آمدند و دارند قدرت نمایی میکنند، آنها این بی شرفها نمی فهمند که جنگ است، نمی فهمند با مردم آزادباشند، حرف بزنند، خمینی با سخنرانی‌اش دیگر رفت با اینها، دیگر نمی شود روی او حساب کرد." زن و شوهری که با حیرت به عربده‌کشی حزب اللهی‌ها و رفت و آمدات تومنیلی‌های با سدارها و کمیته‌چی در اطراف آنها نگاه میکردند، میگفتند: "همه مردم حالا با بدتوخی با بن بیابند و مقابل اینها با بشتند." در این میان زنی میگفت: "عین جریان ممدق شده است و اینها جماع بدستان شعبان بی میخ اند." برخی از مغازه دارها، که قبلاً در نما زجمعه شرکت میکردند بعد از سخنرانی‌های اخیر خمینی و رجاله بازیه‌های اخیر، می - گفتند که دیگر در نما زجمعه‌ها شرکت نخواهند کرد.

در مناطق جنگی، نقش همدست مزدوران یعنی را با زی میکنند و عملکردها اینها در همین بیمارستان وسی در خواباندن بیمارستان شرکت نفت که در واقع مرکز اصلی امداد و درمان در آبادان هسته چیزی جز خدمت به رژیم بعث عراق و حاکمان مرتجع و امپریالیستش نیست.

با شکرها مقامت و مبارزه قهرمانانه رزمندگان جبهه‌ها و یشتیانی مردم ایران (و در اینجا پرستاران و کارکنان بیمارستان) مزدوران یعنی را از خاک میهن عزیزمان بیرون رانده و با سرنگونی حزب جمهوری اسلامی و همدستان حکومتی شان توطئه‌های مرتجعین داخلی و امپریالیستها را خنثی کرده و انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی میهنمان را تا پیروزی نهایی ادا مدهیم.

تعطیلی بیمارستانها و اخلاص در جبهه‌ها خواست امپریالیستها، بعثیون و حزبییون است. مبارزه با توطئه‌های حزب جمهوری و صدامیان متجاوز و امپریالیستهای حاکمین را ادا مدهیم.

شکست توطئه‌های امپریالیستها، بیرون راندن متجاوزین و سرنگونی حزب جمهوری اسلامی لازم ادا ما انقلاب ایران است.

از جمله گفته‌اند که پرستاران با پزشکهای زن حق ندارند با مردان بیمارستان (حتی پرسکون) صحبت کنند. مردان فامیل و با آسای پرستاران را نمی‌گذارند دیدن تا بیابند یا اگر بیابند مرتب بر سر گرفته و حتی سعی میکنند برایشان اشکال تراسی کنند.

لازم به تذکر است که پرستاران و کل کارکنان بیمارستان بعثت عدم شکل و داستان رهبری آگاه و انقلابی، ممکن است به علت این فشارها و محدودیتها، واقعاً به تهدید خود عمل کرده و از همان حقوق خود هم گذشته و دیگر به آبادان نیایند. که آسای مسئله میتوانند از نظریه‌پرستی کار پزشکی و درمانی بیمارستان شکل ایجاد کنند و بیمارستان تعطیل شود، چرا که خواه‌هستاران و کارکنان "مکسی" (حبهومی و جدواراتی) آنقدرها وارد و کافعی نیستند که بسوا بسا مور بیمارستان را به پیش برند. چیزی که روسن آسای است که اگر این جریان به تعطیلی بیمارستان بیانجامد، ضرری در وهله اول بدرمندان جبهه‌ها و بطور کلی نیروهای ایرانی که در حال جنگ با مزدوران متجاوز بعثی هستند، وارد نمیشود. و این در واقع یکی از اهداف حزبییون از احکام این فشارها و محدودیتها بسا است. آنچه که مسلم است این است که حزب جمهوری اسلامی بر طبق خط مشی و اهداف شناخته و دمردمی خود، بسجه، مطلوبی: بیار وضعیت نیروهای ایرانی در این جنگ و ایجا دا خلالتی در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها و بطور کلی شکست ایران در این جنگ مقام و میهنی را نمی خواهد.

لازم به یادآوری است که تقریباً عین همین وضعیت را حزب بیون حاکم در اکثر بیمارستانهای مناطق نفت خیز (خوزستان) از اوایل جنگ بوجود آورده‌اند، بطوریکه پرستاران زیادی بوده اند که کار کردن در آبادان را با وجود شرایط جنگی و خطر مرگ، بر کار کردن در شرایط اختناق و رعاب بیمارستانهای مناطق نفت خیز ترجیح می‌دادند.

با توجه به کل اوضاع یاد شده در بیمارستان لازم است تا کسید شود که وظیفه انقلابی و میهن پرسانه‌های ایرانی، از جمله کارکنان بیمارستان (بخصوص پرستاران)، حکم میکنند که به خواست حزبییون مرتجع تن در ندهند و بسا پرستاران را که در واقع بیسرای خدمت به مردم آبادان و رزمندگان جبهه‌ها میباشد، خالی نگذارند. کارکنان و پرستاران و پزشکان مبارز و میهن پرست با یستی توجه داشته باشند که تنها با باقی ماندن در بیمارستان و انجام وظیفه مقدس خود در شرایط فعلی و مبارزه با اعمال و رفتار مرتجعانه و مستبدانه حزبییون و طرفدارانشان میتوانند جلوی تبلیغات دروغین این خائنین به ملت و انقلاب را بگیرند و ما هیت واقعیت را در عمل بومردم ایران نشان دهند. آنچه که امروز برای انقلاب و مردم ایران (بخصوص مردم مناطق جنگی) مهم است سعی و کوشش در بیرون راندن مزدوران و پیروزشدن در این جنگ میهنی است. وظیفه همه ما است که مزدوران بعثی و همدستان داخلی آنها را که با اخلاص در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها سعی در شکست انقلاب ایران دارند را نابود نمائیم. حزب جمهوری اسلامی و عوامل مزدور و رده‌های ایران بخصوص

کارنامه یکساله مجلس شورای اسلامی (۳) دنباله از شماره پیشین

اما 'شاه' کار مجلس

" تاریخ " بردار کیهان نویسی ما که در عین سوخ طبعی ، کمی هم وقیح تشریف دارند ، طبق " سنن " پسندیده ، حزبی البته ، به خیانت بزرگی به آرمانهای ملی و فدا مهربالیستی ملت ایران در " حادثه " آزاد سازی جاسوسهای آمریکایی وقوع یافت ، رجوع کرده و این یکی را نیز از کارهای " دور از انتظار " این " نهاد انقلابی " دیداند :

" برخورد مجلس با مسئله کروگانها نیز یکی دیگر از کارهای این نهاد مردمی به سارم برود . مجلس در طسول یکنال گذشته به مسایل سیاسی بین المللی موضعی کاملاً انقلابی (!!) داشته که بعضاً دور از انتظار بود (!!) نگفیم جناب " تاریخ " سوس ما سوخ طبع اند!

مردم ایران را حداقل در مورد این " یکی دیگر " نمیتوان فریب داد . اگر چه مسئولین بدنهاد دولت مورد تائید مجلس کذایی ، و خود نمابندگان حزب پرست با هیاهو و جنجال و هوجی - گری ، برده ، دود " پیروزی " بر این خیانت ملی کشیدند ، ولی خیانت آنچنان واضح و آشکار بوده و هست ، و از آن زمان به بعد آنقدر سندی و مدرک درباره این خیانت برملا شده ، که دیگر دیوار جاسوس را بالاتر نمیتوان کشید . ما سه آنچه که در گذشته ، اینسب حضرات گفته اند کاری نخواهیم داشت . از اینکه چگونه بسا در غیب می انداختند و می گفتند تا آمریکا ۲۴ میلیارد دلار بدهد ، جاسوسان را آزاد نخواهند کرد . ولی هم ۸ میلیارد دلار دادند و هم جاسوسان را آزاد کردند ! کار نخواهیم داشت . به اینگونه چگونه بیخ و فربا دبراه انداختند که تا آخر در مقابل امپریالیسم آمریکا خواهند ایستاد (بدروغ) ولی از وحشت هارت و پورتهای یک هفت تیرکش ها لیوودی به نام ریکان قالب تهی کردند و جاسوسان را بیجا به هدیه ای ، در ساعت اول ریاست جمهوری این مردک فاشیست آزاد ساختند ! از این صحبت نخواهیم کرد که سه چگونه لاف و کزاف خارج کردن اموال ایران را از حلقوم آمریکا می زدند ، ولی نه تنها اموال و دارایی های ایران را دادند ، بلکه تا راج کریهای بانکهای امپریالیستی ، مطالبات سلطنت طلبان فراری و حتی خرج سالیان گذشته سک و کربه های علیسا - مخدرات درباری را نیز تقبل کردند . فقط کافی است از زبان آمریکا ، که امروز که هم میباید است جه خاشنا بی سرکار رسد ، استخا می کند ، نمونه ای بیابیم تا عمق این خیانت رسوا و خانمان بر باد ده آشکار گردد :

" ... ادعای آمریکا که قابل قبول تشخیص داده شدند از " حساب تضمینی " که بوسیله ۱ میلیارد دلار از ۱۲ میلیارد دلار دارایی های ایران که بمدت ۱۴ ماه در امریکا توقیف شده بود ، تا مین شده پرداخت خواهد گردید .

" از بقیه دارایی های ایران که از توقیف خارج شدند ، ابتدا ۸ میلیارد دلار به حسابی در بانک انگلستان واریز شد تا ۵۲ کروگان آزاد شدند . ایران بخشی از آن

را برای پرداخت ۲/۷ میلیارد دلار از وامهای بین المللی استفاده کرد . ۱/۴ میلیارد دلار دیگر صرف با پرداخت وام های بانکهای خصوصی گردید . بنا بر این ایران مستقیماً فقط نزدیک به ۲/۸۷ میلیارد دلار دریافت کرد - مقدار ناچیزی نسبت به ۲۴ میلیارد دلار که رژیم انقلابی (!!) ایران ابتدا تا درخواست کرده بود . علاوه بر ۲/۳ میلیارد دلار از دارایی های ایران در بانکهای آمریکا با قیمتی تا سرنوشت ادعایهایی که در دادگاههای آمریکا در جریان است روشن شود . این پول بالاخره ممکن است برای پرداخت ادعای آمریکا بی استفاده شود بسیاری از مدعیان آمریکایی تهدید کرده اند که قانونی بودن دستور کار ترتر (در دادگاهها) بزیر سؤال خواهند کشید . تا تصمیم دیوان عالی کشور آمریکا در این مورد ، دارایی هایی که ایران در آمریکا دارد ، مسدود خواهند ماند مذاکره کننده آمریکایی آلدریچ (یکی از اعضای هیات داور بین ایران و آمریکا) پیش بینی کرده که کوشش برای گرفتن اینسب دارایی ها " به احتمال قوی سالها طول خواهد کشید " . (مجله " تایم " - اول ژوئن ۱۹۸۱ - ۲۵ خرداد ۱۳۶۰)

" اینها " این چنین " پیروزی " بدست آورده اند !! از " قولی " که از آمریکا گرفتند تا در مورد اخلاقی ایران " دخالت " نکنند ، آنهم وقتیکه نیروهای عراق به تحریک آمریکا بخش وسیعی از خاک ایران را در اشغال خود داشتند ؛ از " امتیازی " که از آمریکا گرفتند تا دارایی های ایران را آزاد کنند ، ولی بیش از ۱۰ میلیارد دلار را با دادند با خود ! از " امتیازی " که از آمریکا گرفتند تا تمام ادعای کمیانیها و افراد آمریکا بی (که سلطنت طلبان هم در زیر این نقابها پنهان گشته اند) ملغی شود ، ولی ۲/۳ میلیارد دلار از دارایی های ایران هنوز برای باز پرداخت این ادعایها در بانکهای آمریکایی توقیف است و این چنین " پیروزی " بی نظیرو " تاریخی " جهان هرگز ندیده بود !

بموجب " قانون اساسی " شان قراردادهای و مقاوله نامه ها با کشورهای خارجی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی شان برسند . ولی بخاطر اینکه این قراردادها را مجبوراً میباید به مجلس بیاورند و در آنجا احتمالاً " بعضی " ها که رای کمی هم میآورند ، اعتراضی بکنند بر آن نام " بیانیته الجزایر " گذاشتند . و تازه موقعی هم که مقدار کمی قبل از آزادی جاسوسان به بحث پرداختند ، آن را در جلسات مخفی انجام دادند تا مردم ندانند چه خیانتی دارند انجام میدهند . آخر زمانیکه دو دل داده - یعنی آمریکا و حزب بیون - با هم سرد عشق میبازند آن را نمیتوانند در ملا عام انجام دهند ! قیاحت دارد !! مادر تاریخ فاحشای ندیده بودیم که هم هر چه دارد به مشتری بدهد ، و هم وجه را بپردازد . باید خیلی " دل داده " باشد !!

درباره همین شیوه " حل مسئله کروگانها " است که جناب هاشمی رفسنجانی با آب

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۱۰

اسلامی " شرف دارد. تاریخ این را میگوید! داستان ایمن مجلس بیشتر به داستان مجلس چهارم مشروطه میماند که همسوار کننده راه استعمارچیان انگلیسی و رضاخان قلندر بود. عسارف قزوینی چه خوب دربارها اینگونه مجالس گفت:

خوابند و کیلان و خرابند و زیران

بردند به غارت همه سیم وزرایران

این بیت نغز برای این مجلس هم صادق است.

" کیهان " نویسنده " تاریخ " دوست ما با لاف و طعنه گفت: " میسر آورد و در مورد مبارزات " خدا میریالیستی " و " دور از انتظار " مجلس به نتیجه گیری می پردازد:

" این را نمیتوان انکار کرد (بر منکرش لعنت !) که مجلس شورای اسلامی نقطه اتکاء و امید کلیه جنبشهای آزادیبخش بوده و هست. در همین چهار هفته اخیر دیدیم که خلق محروم ایرلند با اتکاء بر پشتوانه خود (یعنی نهادهای انقلابی میهنمان) اراده خود را در مسیر راهی از قید امپریالیسم انگلیس مستحکم تر از همیشه ساخته است !!

این مجلس کذایی برای ملت ایران چه کرده حالا " نقطه اتکاء و امید " بقیه ملل محروم گشته است؟! این " نهادهای انقلابی " برای این ملت چه کردند که حالا " پشتوانه " مردم ایرلند در مبارزه با امپریالیسم انگلیس شده اند؟! یکی از همین " نهادهای انقلابی "؟! یعنی دولت رجایی - نبوی است که با جلادان مردم ایرلند، قراردادیک میلیار دپوندی امضاء میکنند، اینطور نیست؟

از بررسی " تاریخی " خیانت ملی و عظیم در مورد جاسوسان آمریکایی بگذریم. فقط این را اضافه کنیم که اخیر آقای بنی صدروپروانشان به اطلاع ملت ایران میرسانند که طوسی چندین و چند نام عواقب شوم " بیانیته الجزایر " را به اطلاع دولت رجایی رسانده بودند. اینکه این اسناد مسئله خیانت عظیمی که صورت پذیرفته را روشن تر میکنند، حرفی نیست. فقط باید آقای بنی صدروپروانشان پرسید از چه موقع عواقب دزدی و خیانت را به اطلاع خود دزد و خائن میرسانند؟ چرا همان موقع این عواقب را به اطلاع ملت نرسانند تا جلوی ایمن گستاخی ضد ملی و خیانت آمیز را بگیرد؟ آیا آن موقع هم هنوز " بنا بر دعوا " نداشتند؟ امیدواریم امروز همه فهمیده باشند که بنا بر دعواست. موضوع دعوا هم آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور از یکسو، و استبداد و وابستگی و بذل و بخش از خاک ایران از دیگر سو است!

و تاب از جمله " افتخارات مجلس " به حسابش میآورد و میگوید: " دیگر حل مسئله کروکاتنها کار مهمی بود و معیاری برای اجراء بدست دولت داد."

بعله! آنهم چه " معیاری ". از بعد از این خیانت بود که نهاد اجرایی در دست حزب راه را با زناخت، روابط با کشورهای کمپانی های امپریالیستی دوباره برقرار گردید. بر مبنای همین " معیار " بود که دولت مردان مکتبی قرارداد با تالیوت را ببلخ یک میلیار دپوند انگلیسی امضاء کردند. (این اسم " تالیوت " را دکول زنده نیاید بشد. تالیوت فقط نام شعبه انگلیسی کمپانی معلم اتومبیل سازی کرایسلر آمریکا است). بر مبنای همین " معیار " است که مذاکرات با فولکس واکن و پژو و شرکت های اتومبیل سازی ژاپنی به پیش میسرود؛ بر مبنای همین " معیار " است که مذاکرات با کروپ آلمان برای بررسی زمینه های سرمایه گذاری در ایران آغاز میشود؛ بر مبنای همین " معیار " است که قرارداد شکر با کمپانی های امپریالیستی بسته میشود و میلیون ها پول این مردم محسروم بوسیله چندشاید بالا کشیده میشود و با مجلس آن را در جلسات " مخفی " ماستمالی میکنند؛ بر مبنای همین " معیار " است که ایران دوباره بمانند زمان شاه به کشوری فرو رفته و نفت و وام کیرتبدیل میشود و جناحان دولت مردان و مجلسیان مکتبی آن را شیوه ای پسندیده و انقلابی!! جا میزنند. این مجلس، مجلس خیانت ملی و وابستگی به امپریالیسم است!

" بیانیته الجزایر "، این کار " خدا میریالیستی " و " مهم " دست پخت حزب و مجلس حزبی، آنچنان مفتضح بود که آن را بدرستی با قرارداد دانشجویان و شوق الدوله، مقایسه نموده اند. " تاریخ " نویسنده کیهان برای غشای کردن این تبلیغات منافقانه خود چیزی در چنته نداشت و بنا بر این بسط راغ " تاریخدان " شهردیگری - یعنی جناب آقای سبحان الهی " نماینده " تبریز - رفت و ایشان با اشاره به قرارداد استعماری ۱۹۰۷ بین روسیه تزاری و امپراطوری انگلستان در مورد تقسیم ایران - که مبنای قرارداد ۱۹۱۹ و شوق الدوله بوده است - چنین افاضه فرموده اند:

" ... اولین مجلس بعد از انقلاب به مخالفت با ایمن قرارداد دیر میخیزد و آن را محکوم مینماید. دولت روس و انگلیس در مقابل این اقدام مجلس مخالفت خود را از طرق مختلف با مجلس آغاز میکنند. دولت روس مزبور ... زمینه تعطیلی و انحلال مجلس را فراهم میآورد. (به همان " ویژه نامه " کیهان رجوع کنید)

" تاریخدان " ما فکر میکنم استدلال محکمی گیسر آورده است. آن مجلس اول پس از انقلاب مشروطه ایران، در مقابل این قرارداد دانشجویان مقابله کرد، مقامت کرد اگر چه بقول " حضرتش " تعطیل کردید. ولی حداقل مبارزه کرد! ولی ایمن یکی مجلس اول پس از انقلاب اسلامی " در مورد همان کونسه قرارداد دخیانتبار چه کرد؟ آن را تا شید کرد و بر آن صحنه گذاشت؟ مجلس اول دوران مشروطه مدتها بر مجلس اول دوران " انقلاب

مزدوران پیش‌رمی بنام فدائیان اکثریت

و دیگران، هنوز اجازه رسمی انتشار نیافته است، و اینها از آزادی خواهی و دمکرات منشی!! این سرده‌های استبدادزیر برده، دین حرف میزنند. آخر قلب و اضماع هم حدی دارد! هنوز مرکب قرار داد خیانتبارانه آزادی جاسوسان آمریکایی خشک نشده است، هنوز ارفشای قرار دادهای تنگن با تالسوت و کروب و مدارکات با پزو و فولکس و اگن و کمپانیهای ژانسی در جامعه محو نشده، و اکثریتیهای "فدا میریالیست" از اقدامات مسعانه!! "فدا میریالیستی" سرده‌های خیانت ملی لانه کرده در حزب جمهوری دم میزنند. آخر و پتروفونی و حیانت هم حدی دارد! راستی این مزدوران بی حیره و مواحب حزب جمهوری که نقس با واک حزب جمهوری را برای ردایی و بنا سازی مبارزه بین بازی میکنند، و مداح اعمال و پتروفوسانه وفا شیب بازی های این حزب گذاشتی گردیده اند، چه فکر میکنند؟ فکر میکنند مردم مانند خودشان ابله هستند؟ یا فکر میکنند مردم مانند خودشان وطن فروش و شوکر صفت و کشنده آزادی هستند؟ کدامک؟ این کوردلان و فدائیان روس اسناد دوفاسم چه فکر میکنند؟ ما کسم کورکی گفته‌ای نغز دارد:

"مرک برآنهاست که مسخا هندی زده ما شم و سرک آزادی را سبیم"

با پدیده اکریبی ها گفت "مرک برآنهاست که میخواهند زنده بمانند و مرک آزادی را ببینند" ولی تصور نکنند که زیاد هم زنده خواهند ماند!! همین مداحی و بنا نویسی بی شرمانه را حزب برادران در عراق از فاشیستی بنام مدام حسن کردند، و مدام فاشیست هم پس از آنکه تمام تمتع را از این فواحش سیاسی گرفت، آنها را مانند زباله بدورا نداشت و سربسیاری از آنان را بدم تیغ سیرد. حالا آنها دادشان در آمده است، ولی خود کرده را بیعاشی نیست!

ما به هواداران فدائیان (اکثریت)، آن عده‌ای که هنوز جوشی و ذره‌ای از آزادیخواهی و از استقلال طلبی در وجودشان باقی مانده است، هشدار میدهم و اخطار میکنیم که تا دیر نشده دست از لجاجت و سخب سری بردارند، بیش از این آلت دست مستبدین حزبی و رهبران خود فروخته خود نگردند، و زیاده از این در مقابل مردم صف آرائی نکنند که عاقبت خوشی ندارد. اجازه ندهند تا در تاریخ نامشان در کناره‌های وطن فروشان و مستبدینی کناره‌های خود فروختگانی چون بهرامی و قریشی و شرمینسی و عباس شهریاری رقم بخورد! اجازه ندهند تا در تاریخ بهیاران و همداستان عده‌ای اوپاش و اراذل بنام "حزب الله" معرفی گردند. دست از این اعمال تنگین بردارند و شرافت خویش را تا ابد لکه دار نسازند.

ما به هواداران فدائیان (اکثریت) آن عده‌ای که هنوز جویی و ذره‌ای از آزادیخواهی و از استقلال طلبی در وجودشان باقی مانده است، هشدار میدهم و اخطار میکنیم که در دو راهی خطرناکی قرار گرفته‌اند، یا کاملاً و تماماً در منجلاب خیانت و وطن فروشی سقوط می نمایند، و یا

مردم بهران حتما دیده اند که عده‌ای بلاکارت بدست در رود و بسته ۱۸ جلدی در سربعضی ارجح راه‌ها و میادین سهراسا دیده‌اند، مردم را دعوت میکردند تا در تظاهرات "عبرنا سوسی" شرکت نکنند، البته مردم منوجه شدند که این بلاکارت بدستان، حزب اللهیهای معروف نبودند بلکه از گروه مزدور صفتی بودند که نام بی مسمای "فدایی خلق" آنها هم "اکثریت" است را دید کرده‌اند، البته این بی حتم و روهای روس پرست مردم نگفتند که عده دیگران در تظاهرات "فانوس" و اوپاش و اراذل حزب جمهوری شرکت کرده بودند و بهمراه آنان به جماعتی و قهقهه‌های مسخول بودند و در شنا با سوسی و دستگیری افراد مبارز، بی سائبه سربس کمکهای "دمکرات - مساسه" و "انقلابی" را می نمودند.

"اکثریتی" های خاش چند سبت که به شیوه رذیلانه برادر بزرگتران حزب توده، به مداحی حزب جمهوری اسلامی و نقشه های کودتا خرابه و اسبیدادی آنها پرداخته اند، این دودسته، شوکر صفت (که یکی سالیان دراز است که طوق بندگی ایرت قدرت روس را به گردن نداده، و دیگری رنان کوتاه تری به ایمن "سبل سربس" همت کما سنه و بنا بر این نا شیا به تروکتا خانه تر به عرض شوکری مسخول است که مداحی را بیدانجا کمانده اند که سرتما می اعمال و رفتار مستبدان حاکم، روپوش "فدا قسبت" و "انقلابیگری" میسوساند، این مزدوران آنقدر بی چشم و رو و ما شیب سربس هستند که درباره افتضاح هیات بررسی "شابعه" سکنه!! حسین رقم زدند:

"از خلل سام سطور این گزارش (هیات بررسی "شابعه" سکنه")، روح صداقت و امانت میتراود و جزایبهم نباید اسد" (نامه مردم - ۳ خرداد ۱۳۶۰)

فقط ار همین یک نمونه میتوان به عمق در یوزگی و شوکر صفتی آنان پی برد. بنا بر این زمانیکه دارودسته کودتاچی حزب جمهوری تاخت و تازار تخاصی خود را از هفته گذشته با عساد تارهای بخشد، و علنا و رسماً دست به کودتاگری زد، هیچ دور از انتظار نبود که ایان با این وضع فجیع به دم تکمان دادن مسخول شوند.

میگویند دست آموز را ارباب هر چه بیشتر توسری بزنند و تحقیر کنند، بیستردم تکان میدهد. و همین وصف الحال "اکثریتی" های خاش است. در همین یورش ضد آزادی، روز - نامه، "نامه مردم" ارکان حزب برادرشان را توقیف کردند (که البته سیاه بازی "ماهرانه" ای بیش نیست و طبق نقشه انجام یافته است) ولی اینها این یورش را بمثا به یک اقدام "دمکراتیک" و "انقلابی" و "فدا میریالیستی" جازندند، و اعتراض بحق مردم را نسبت به این امر، اقدام "غیرقانونی" جلوه دادند و دستور تحریم آن را صادر کردند. آخر مزدور صفتی هم حدی دارد! روزنامه، خودشان "کار" اکثریت، با هم - چایلوسی ها و انظار عبودیت کردنها را رهبرای اکثریت در جلسات خصوصی با جناب بهشتی و در مباحث "آزاد"!! با فروش و بهشتی

براه مردم و برآه آزادی و استقلال بازمی کردند. فکر نکنند "آزاد" هستند چون میبایست دهنور بلاکاردی درسها را هبیا در دست بگیرند. "آزاد" ندکه مجبوز حزب جمهوری را بکوبند، "آزاد" ندکه به آلت دست حزب و نیروی ضربتی چماقداران حزبی و کودتاچی تبدیل کردند. هما نقدر "آزاد" ندکبه بردهای در چا پلوسی از او باش آزاد است. هما نقدر "آزاد" ند که خود فروسی در عرضه سرب و عصم و عفت خود آزاد است. ای تنگ براین "آزادی" ! این هواداران بدانند که

"آزادی لقمه سهل الوصول نیست بلکه شهری است که باید آن را بزور شمسرفتح کرد، کسی که آزادی را از دست دیگران در یافت کند همچنان برده و بنده باقی خواهد ماند...." (بیکوس کا زان ترا کیس)

مرک بر آن "آزادی" که از دست مستبدین قرون وسطایی چون بهستی و آبت و جمران در یافت شده، مرک بر آن "آزادی" که از دست وطن فروشان بدنامی چون رجایی و نبوی تحصیل گردید، ای مرک بر این "آزادی" !

ما به هواداران فدائیان (اکثریست) آن عده ای که هنوز جوسی و دره ای از آزادیخواهی و از استقلال طلبی در وجودشان باقی مسود، همدار میبدهم و اخطار میکنیم. اینها بدانند که طلب آریا دسحا و در صورت دردها و رنجها و فسا رها چه کسانسی به آنها سب کردند و بدبر آنکه از سب بر آنها خنجر زدند. بیسار داسه با سبند که طلب سب اسفا مجوست، وزمان انتقال بخصوص آران کسانسی که مردور و اسرافت و حیثیت خود، و آرمان های والای مردم را به وعده های پوچ تاخت زدند هرگز نخواهند بخسید. "این سیره سب را کمان میر که سحری بدنیال نیست" !

مردم ایران بدانند که ذره ای و ارزنی از شرف و حیثیت برای رهبران فدائیان (اکثریست) باقی نمانده است. بدانند که اینها و برادران بزرگ تر توده ای شان دست در دست کودتاچیان آزادی کش و وطن فروش حزبی در توطئه بزرگی که اکنون در مملکت در جریان است شریک هستند. بدانند که این آبرو باختگان و ورشکستان به تقصیر بدروغ نام بزرگ کمونیسم و انقلابی کری را بدک کرده اند، و خرنه نه از کمونیسم پیویسی برده اند و نه از انقلاب. بدانند که کمونیستهای واقعی و انقلابی ایران، در کنار مردمان تا پای جان بر آرمانهای والای آزادی و استقلال پافشاری میکنند و بمانند آنها از توده ای - اکثریتی های بی سرم نفرت دارند. بدانند که در نفرت بحق شان نسبت به این دارودسته های ارتجاعی و در میا رزه شان با این آبرو باختگان، کمونیستهای واقعی و انقلابی در کنارشان هستند. اینها را با پیدا ز صحنه بدر کرد، بدرخواهندند. کورنیسان را کم خواهند کرد!

استقامت را شما خود در گذشته با فته اید و اینک میتوانید بیا بید و با به کسانسی که شتا بزه میخواستند کار را بیکس، کنند با رهبا کفته ام و حالام میگویم برنا. مه کارنان حذف اختیارات ریا - ست جمهوری است کفتید این حرف دروغ سال است و معلوم شد دروغوی سال که بود.

برنا مه کارنان حذف ریا ست جمهوری است کفتید بد کمانسی و خیال است تا اینجا آدید، بیا شیده ما هنکی بوجود آوریم و با اجرای واقعی قانون کشور را از مهلکه بیرون ببریم. قانسون را وسیله اجرای نیات خود کردید و اجرای واقعی آنها تا این حد مشکل ساختند.

برای برهبر کردن از خطرها، برای آنکه مردم کشور نگران تر از آنچه هستند نسود، بیا شیسند:

الف: آزادی مطرح در قانون اساسی را محترم شمارید و آزادی بیان و قلم را تا همین کنید و مطمئن باشید مردم ما عاقل و رشید هستند و با مقاله ها و حرفهای تحریک آمیز تحریک نمیشوند.

ب: قانون اساسی را مویه مواجرا، بگذاریم و هر جا که خلاف انجام شده است معین کنیم و با زگردید و قانون را اجراء کنیم.

ج: دستگاه قضایی را همانطور که اسلام میگوید مستقل و بی طرف کنیم و اعتماد و امنیت واقعی را پدید آوریم. بجای سردا حتن به حذف همه و همه و اعمال زور در برخورد با هر مشکلسی برنا مای برای حل مشکلات کشور به اجراء بگذاریم و از راه بحث آزادی واقعی مانع از آن کردیم که برخورد اندیشه ها به برخورد چاقها و سلخه ها بدل کسردند.

خواهش میروم برادر: با کمال صداقت وضعی را که میبینیم برای شما شرح دادم به شما میگویم اعرا مزوز که هنوز وقت باقی است تا اینستاده ایسد و استبداد را که هنوز دوام نکرده دفع شرت کردید و استبداد با سلطه خارجی پیوند قطعی پیدا کرده است آنچه را که گفته ام و بدتر از آنرا بر سر شما خواهد آمد.

امروز از صبح تا شام و از شام تا صبح چماق داران رسمی و غیر رسمی محل زندگی و کار رئیس جمهور منتخب شما را در محاصره دارند، اینها مستثنی هستند میتوانند هر تظا هری را بکنند و هر زدالتی را انجام دهند فردا با شما مردم چه خواهد کرد؟ خداوند را به کواهی میگیرم که به وظیفه خود عمل کسردم آنچه را که با ید به اطلاع شما میرسانم بر شما مردم است که نگران سرنوشت انقلاب اسلامی و کشور خود باشید و استقامت کنید.

رئیس جمهوری ابوالحسن بنی صدر

۲۲ خرداد ۱۳۶۰

لطفا "در تکبیر آن بکوشید."

مرگ بر استبداد در پرده دین

خبرهای
پراکنده

بقیه از صفحه ۱۵

کارگران کارخانه مزدا
انجمن اسلامی کارخانه را منحل کردند

بقرا را اطلاع کارگران غیور و مبارز کارخانه مزدا انجمن اسلامی این کارخانه را منحل کرده و در لانه کشیف این جیره خوا -
ران حزب مستند و وابسته حاکم یعنی حزب جمهوری اسلامی را
تخته کرده اند. حرکات انقلابی کارگران این کارخانه با سب
سرمی همگی کارگران و کارمندان و دیگر اقشار و طبقات مردمی
در ارتقا و هر جا که هستند به انحلال و انهدا م این محافل خائنین
به ملت و انقلاب و کشور و نظایر آنها ز جمله مجلس دست نشا ننده و
فدملی سردازند.

کارگران پالایشگاه شیراز
خواهان برکناری دولت رجائی شدند

بقرا را اطلاع کارگران نهمان شرکت نفت (بالاسکا شیراز)
مدت ۱۰ روز است که با خواسته های از جمله برکناری دولت
رجائی دست به اعتصاب زده اند. و همچنین کارگران انقلابی و
مردم دوست شرکت نفت (بالاسکا هافهان) نیز از این عمل
برادران خود در شیراز حمایت کرده اند. کارگران صنعت نفت با
این عمل خود نشان دادند که میتوانند و با بدستل سابق پیشوای
مبارزات طبقه کارگر و ملت ایران در فلج کردن اقتصاد
سیاسی دولت مزدور و بیگانه برست رجائی خود فروخته باشند. ما
(اتحادیه کمونیستهای ایران) بدین وسیله پشتیبانی کامل خود
را از این حرکت دلیرانه و انقلابی کارگران صنعت نفت (شیراز و
اصفهان) اعلام کرده و از طبقه کارگر و همه ملت ایران میخواهیم
که از این عمل پشتیبانی کرده و با خیزند.

کارگر مبارز صنعت نفت! درود همه خلقهای ایران
بر تو باد!

مردم چه میگویند

(روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد)

بررسی گفتگوهای پراکنده مردم کوچه و بازار تهران در
این روزهای بحرانی انقلاب ما نشان میدهد که روحیه انقلابی
نوبنی نضج پیدا میکند. توده ها عموماً از دستخزانی اخیر
خمینی عصبانی شده و با او مرزبندی میکنند.

بسیاری از افراد بعد از سخنرانی اول خمینی هنوز محافظه
کارانه و بی برخورد میگردند و مثلاً میگفتند: "امام هم نباید
چنین چیزی میگفت، باید مراعات بنی صدر را میکرد، بالاخره
بنی صدر ادرک میجنگند."

اما بعد از سخنرانی دوم خمینی بسیاری از مردم تحریک
شده خیلی قاطع ضد حرفهای او صحبت میکردند. برای نمونه می -
گفتند: "مملکتی که رهبرش به بنی صدر تحش بدهد و بگوید هر که
نخواست از مملکت برود بقیه دیگر چه میشوند." "همه با بنی صدرند
و یک عده معدودی از حزب دفاع میکنند! امام اینها را با بسد
بدا ندونبا بد طرف بهشتی را بگیرد." اکثر آگلیه داشتند که
"مملکت را خراب کردند، بیچاره کردند"، "آدم یا در حرفهای
شاه در روزهای آخر عمرش میافتد." بقیه در صفحه ۹

خبری از
تبریز

در چند روز اخیر در تبریز عده زیادی را به جرمهایی تحت
عنوان لواط و حمل مواد مخدر از طرف دادستان تبریز اعدام
سده اند. از جمله کسانی را که به اعدام محکوم نبودند، جوان
۲۱ ساله ای بودیم که با کسی که از فرار از بچه های پاک و بی آزار
محل بود که حدود یک ماه پس از کوه محل خود با عده ای دیگر از
بچه های محل مشغول بازی فوتبال بود که ناگهان توبس
عما مه، یک آخوندی که عبور میکرد خورده و آخوند شروع به تاسزا
گفتن کرد. ولی بچه ها (صمن خنده) عذر خواهی کردند. آخوند
مزبور دست از لجاجت برداشته و پاسداری را صدا کرده و این شخص
را دستگیر میکنند. چند روز قبل اطلاعیه برای خانواده ایس
جوان فرستاده و از آنها خواسته اند که بیایند و جنازه بچه اش را که
بجرم لواط اعدام شده بود ببرند. گویا این خبر در یکی از روز -
نامه های خود فروخته عصر کنسوربین تاریخ ۲۰ الی ۲۴ خرداد
ما درج شده است. این نمونه ای از حکومت مستبدین و آشورار
وابسته به برقررتها تح لواط حکومت دین و مذهب است.
مستبدینی که روزی نیست که خودشان دست به عمل لواط و حتی با
پاسدار محافظ خودشان هم نزنند، آنوقت جوانهای پاک و شریف
این مردم را به این جرم به اعدام محکوم میکنند. ملت ایران هرچه
زودتر باید تکلیف این بیغیان و خودفروختگان و نوجسه های
قمه بدست آنها را یکسره سازد و همه شان را به دیار آن شاه ملعون
بفرستد. اینها فکر میکنند با ایجا دجوتور و وحشت میتوانند
مقاومت و یکپارچگی ملت را از بین ببرند و حکومت اختناق و
خفقان خودشان را بر سر تریه پیش ببرند. ولی ملت آگاه و
بیدار این سرزمین بخوبی میدانند که این حرکات قبل از آنکه
در بیسان ایجا دو حس کند، سبک نکند و ترس اینها را مضا -
وم و یکپارچگی و قیام مردم است.

مرک بر حکومت استبداد دووا بستگی در برده دین

زنده با دانقلاب، استقلال، آزادی و تما میست

رضی ایران!

« در این روز مردم حادثه حزب الله را در میدان ولی عصر آتش زدند. همجنین در همین روز در دهها نقطه تهران تظاهراتی برگزار کرده و درگیری میان جوانان و اوباش حزب اللهی جریان داشت. »

خبرهای پراکنده

« در این روزها حدود هزار رنتر از اعضای سپاه پاسداران، بعنوان مخالفت با سخنرانی های اخیر خمینی علیه بنی صدر و مردم، استعفا داده و از سپاه خارج شدند. در پی این جریان تصفیه سپاه ارتقا مرشد حزبی کسرتش یافته است. »

« رهبری حزبی سپاه اقدام به عضوگیری جدید کرده و بدین منظور دهها تیر و جوانها را زورسوارماشین کرده و پس از آموزش عسوسپاه میکند. نمونه این کار در یکی از روستاهای اطراف قره چمن تبریز دیده شده است، که به ده ریخته اند و حدود ۱۶ نفر را بنام خدمت به اسلام، امام خمینی و غیره برده اند. »

« تمام یادگاران در حال آماده باش میباشند که در صورت ربختن مردم به خیابانها به دستور فرماندهان خود فروخته به سرکوب سردا زنده ولی کور خوانده اند، چون درون شکاف عمیقی از هم اکسوز آتکار است. طبق اخبار واصله هم اکنون دو وصف بندی در درون ارتش مشاهده میشود: در یکسوا و بستگان حزب حاکم، سا و اکیها، توده ایها و اکثرینی ها و "امت" و فرماندهان خائن و در سوی دیگر اکثریت سربازان و درجه داران و طرفداران نیروهای مفرقی. »

« بچه های زورآباد کرج، موشکهای کاغذی درست کرده و روی آن مینویسند، مرک بریشتیم، رفسنجانی، و... و بیخانه ها می اندازند و دیوارها همه جا همین را مینویسند. »

« طرفداران "سازمان پیکار... در همه جا مردم را به بی عملی و انفعال تشویق کرده و میکوبند دعوی هر دو جناح (یعنی بنی صدر و حزبی ها) برای قدرت خودشان است و مردم نباید با درمیانی کنند. آنها همه جا توسط توده مردم را توده شیوودا هم طرفداری از حزب حاکم به آنها زده میشود، چه ایشان در دفاع از خط مشی فدا نقلابی خودناچارند موضع خود را درقبال بنی صدر و جنبشی که بنام وی برافزاده توجیه کنند و همان حرفهای حزب اللهی ها، توده ای ها، اکثریتی ها و امتی ها را تحویل مردم دهند. خط مشی این سازمان مایه ننگ کمونیستهاست. »

« این اتومبیل گشت از آن اوباش حزب الله است :

پیکان آجری رنگ دارای بار بند بشماره

۵۶۴۴۴ یا

۵۶۷۴۴

در شماره قبلی " حقیقت " تعدادی از این اتومبیل ها معرفی شده اند.

« اخیرا در برخی کمیته ها جمعیه های حاوی اسلحه روسی آورده میشود و سپر این سلاحها را میان افراد ۱۵، ۱۶ ساله تقسیم میکنند، تا از این نوجوانان علیه مردم استفاده کنند. »

دوشنبه ۲۵ خرداد

روز دوشنبه ۲۵ خرداد در پی فراخوان تحریک آمیز دادستان، منبئی برای نکه "مردم" خودشان به خیابانها آمده و جلوسوی تظاهرات مخالفین "اسلام" را بگیرند، توانستند حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر افراد ناگهان را با یک هسته متحرک حزب الهی چند هزار نفره در خیابان انقلاب تهران خصوصاً میدان فردوسی جمع آوری کنند. در واقع حزب جمهوری اسلامی و هم دستانش از قماش توده ای و اکثریتی و دیگران تمام زورشان را در این روز زدند و این تعداد را بسیج کردند. آنها با این قدرت - نشانی ضعیف و رشکستگی خود را در این روزها نشان دادند. شعارها و بلکه عریبه کشی های جماعت های متحرک حزب الهی در این روز غالباً علیه بنی صدر بود، که با کم محلی مردم بسیاری که در پیاده - روها به تماشا ایستاده بودند، رو بر رو کردید.

« چند روز قبل درگیری های وسیعی میان مردم آمل و گروهک های حزب الهی روی داد، که طی آن این گروهک ها تا روما رشدند و همچنین دفتر حزب جمهوری اسلامی و کتابفروشی های وابسته به آن بدست مردم قهرمان آمل تخریب و بسته شد. همچنین تظاهرات بزرگی در ضدیت با حزب ارتجاعی و کودتاچی حاکم در تنکا بسن (شهر سابق) روی داده است. »

« در تانگستان (شهری در نزدیکی قزوین) مردم محل پاسدارهای حزبی را شنا سائی کرده و آنها را علناً تهدید به مرگ میکنند، و اگر همسایه ای داشته باشند که پاسدارها شده و میروند و به پدرش میگویند: " بگو بچه ات از کمیته بیرون بیا و یگو گرنه عاقبت بدی در انتظارش است. " اینست تنفر مردم از جاله بازی های اخیر که خمینی دائما به تشویقش میبرد از د. »

« از اخبار گذشته: هفته اول خرداد هیئتی از شرکت کسروپ آلمانی به ایران آمد و دوشنبه ۹ خرداد نیز هیئتی ایرانی برای مذاکره با کسروپ به آلمان سفر کرد. در واقع دولت رجائی کسروپ زد و بند با طرفهای قراردادهای محمد رضا شاه است. »

« از وزارت امور خارجه خبر میرسد که این روزها مستشاران رنگ و وارنگ خارجی با پوشش های مختلف خود در دیوبند و پراکنده شده و اردایران میشوند. مثلاً در عرض دو هفته گذشته حدود ۱۵۰ آمریکائی به بهانه های مختلف وارد ایران شده اند. »

« در اطراف همدان دوسه روستا هست که تعداد زیادی قاچاقچی دارند. همه این قاچاقچی ها اکنون حزب الهی شده اند! »

« در حوالی دروازه دولت تهران مردم تعداد زیادی از موتور - سیکلت های اشرار حزب الهی را آتش زدند. همین واقعه قبلا در میدان امام حسین نیز رخ داده بود. در میدان ولی عصر هم موتور سیکلت حزب الهی ها را آتش زدند. »

« اخیرا اطلاع حاصل شد که حزب جمهوری اسلامی چماق دار استخدام میکند. حزب درقبال شغل، چماق داری به هر دو و طلب ماهیانه ۶۰۰۰ تومان حقوق ۲۰۰ کیلو برنج، ۳ کیلو روغن و مقداری قند و چای و مانند آن پرداخت میکند. افراد استخدام شده مزبور باید طی نوشته ای تعهد دهند که نسبت به حزب جمهوری اسلامی و شخص آیت اله بهشتی وفادارند. گفته میشود که تا کنون حدود ۲۰۰۰۰ نفر را در سرا سرایران در شغل چماق داری استخدام کرده اند. »

« یکی از ماشینهای حزب الهی (خواهران معلوم الحال زینبی): شورلت رویال، سرمایه رنگ بشماره ۷۶۴۲۷ تهران - سق

« در اطریش شایع است که دختر آیت اله بهشتی در آنجا مشغول فروش ارز میباشند. »

اخبار چند روز گذشته

سه شنبه ۱۹ خرداد

حربی ها مبرودنه با حادیه و انت دارها و میکوبیدبا ید همه، واسها را بما بدهید. می برسند چرا؟ جواب میدهند: برای رفتن و آمدن حزب الله! وانت دارها اعراض کرده نمیدهند، ولی دربی آن مردوران حرب اللهی به شهیدوار عا بپرداخته و میکوبید که را این پس به لاسیک میدهیم به نزیین، به روغن و سه هیچ حیردیگر؛ و بالاخره به روزه ۵ عدد وانت میکوبند.

حدود ساعت ۴ بعد از ظهر حدود ۵ تا ۶۰ تن اردخسران ما در دربارک سهرآ را با ساعراهای درود سرتنی صدر، "تصرمن اللہ و صبح تربت"، مرک سرائین حربک مردم فریب، "نظا هسیر" میکنند و بعد از ارحدی در طول خیابان سهرآ را به راه هیما نسی می بردارند. نزدیکهای اداره، گذرما مه چند ما سن کمیته (یکی سگان سرریک ما سن شهوهای رنگ سینه آرا و یک خب) سرسرسند و افراد کسسه معول و آرا آنها سرون ریخته و سسه با صردرا هسما بان و سیرا ساداری سهرآ را می بردارند که سیرا ما سن سیردیگم یکی ارا س دحیران، که تا پشتش راه هم رخمی میکند، و ق در هسما بخا سس ریس سس سس.

چهارشنبه ۲۰ خرداد

طبق گفته هدا س عیسی در این روز در میدان بوخا سه سعادی ارمردم، که علیه حرب سنجوس حاکم نظا هر میکردند، سدس با سداژان به سعادت میرسند.

حوالی بل سیدخندان یک کارمندا داره، مخا سرات بنا م عا سس (۲۳ ساله)، هسکا میکهاریک عکاسی سرون مآ مده، هدف کلولها سدا رها ترا کر سسه و به سعادت میرسد، سیرا ساین حادسه مردم حا صردران محل سدب عصابی سده و دون سیرا سادارها را سدموسورمی سدسد و موسوررا روشن میکنند و ضمن آن مردم داندما سروی آنها سک و سسه سیرا س میکردند.

در هسما روز در سس اسسا سیرما ن عزل بنی صدارا فرما سدهی کل نوا سوسط حمیبی، سیرسسل یادگان ولی عصر سیرون می سیرسد و سعا ردرود سرتنی صدر، میدهند، که با سدا رها در مقابل این حرکت عجب سسی میکنند.

بار در هسما روز سس ارا علام سیرکناری بنی صدارا مقام فرما ندهی کل قوا، سیروی هوا سیرد سهرآ با ددست به اعتصاب عدم پروا زمیزند و خوا ستر با زکشت سسی صدر به مقام خود میشود، که تا دورورادا مه سادت. در این ارتباط روز ۶۰/۳/۲۱ بنی صدریما می به آنها ما در میکند سسی برا سینه کشور در خطرا ست و ما م هم صلاح دا سستند و ما هم کنا ررفسیم. بعد از اعلام این پیام کارکنان سیرسکا ر خود سترکسند.

چهارشنبه سنا صبح فردای آن دریا دکان عا س آباد درگیری بوده و همجین فردای آن روز (۶۰/۳/۲۱) دریا دکان باغ شاه نیز میان افراد سسپا و سیرا زان درگیری بوجود آمد [سین وقایع دربی عزل بنی صدارا فرما ندهی روی دادند]

بعد از ظهر هسما روز سیرا سدر درگیری در منبع آب سبارک شهرو هجوم وحشیا نه سیرا ر حزب اللهی تنی چند کشته و ۱۵ الی ۱۵ نفر زخمی سدسد. سینه دستهای خون آلود آنها سیروی اتوبوسهای پارک شده نفق سسته بودند.

بعد از ظهر در خیابان پاسداران درگیری میشود و طی آن ۵ نفر، که دوس از ایشان از فدائیان اقلیت بودند، به سعادت میرسند. مردم در آنجا سعا رمبدا دند؛ بی صدر سس مدرحما بتت میکنیم

ارخمینی سسین خدا سکا بتت میکنیم
در حرسان درگیری میان جوانان و سها سچارا سدار در حوالی سیدخندان، سدا رها کتک مقطی خورده و سلاح ها سسان ما دره میسند.

۲۰ خرداد - گفته میشود که در این روز تعدادی ارمردم در سیرسل سیدخندان (تهران) سدس با سدا ران شهید سدسد. در سیرسل روسی سیریک با سدا ر که یک نفر را کشته بود بدست یک با سسان کشته سدسد.

پنجشنبه ۲۱ خرداد

در این روز مردم اهواز به طرفداری ارسنی صدارا هسما نی کردند، که دنا هجوم وحسا سدا سدا ران حا سس اسندا دروسرو سسند.

هسما س سهرمزوس به حال سسه سعلل در آمد، سبارار سهر سعلل سدومردم در خا سها سوسد.

حدود ۴۰۰۰ تن در خا سان فردوسی به طرف با زا ر سسه حما یب ارسنی صدارا در محکومت مرتجعین خیا نتکا ر حاکم راه سسما نی کردند. همچنن نظا هرا تها وزد و خورد های سیرا کنده در کوسه و کنا س سهرجریا ن دا سست.

در این روز در نوا حی سا ختمان شرکت نفت، روسرووی دا سکا ه و جها ر راه لشکر هجوم های وحشیا نه ای علیه تعدادی از دختران که به آنها نظا هرا اطنبن میسوند و با در حال فروختن سترسبه بوده اند، سوسط سیرا ر حزب اللهی و با سدا ران صورت میکسرد. آنها سب کتک میزنند، حا دروسرووی از سسان میکشند، لبا س آن هارا با ره میکنند و سیرخی ارا سسان را موقت میسوند سترکسند، اما بقیه با حما بت مردم نجات می یا سسند.

پنجشنبه ۲۱ خرداد - در این روز در محل بل سیدخندان حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر حزب الهی به یک دختر حمله میکنند و قصد دارند با کتک و اعمال شنیع وی را با خود سیرند. در این موقع یکی از پاسداران کمیته با مسلسل بین دختر مذکور و حزب الهی ها حائل میشود و میکوبید اگر کوچکترین حرکتی بکنید همه شما را به گلوله میبندم. سپس دختر را سوار یک جیب کرده، لبا س با سدا ری خود را در میا ورد، کارت کمیته را با ره میکند، اسلحه خود را سیر زمین میکوبد و در حال لیکه سوا ر جیب میشود فریا دمیزند: "به این اسلام که شما با آن ابنتکا رها را میکنید". و سسرعت محل را ترک میکنند، در حالیکه مردم برای وی کف میزنند و او را تشویق میکنند.

جمعه ۲۲ خرداد

امروزه تن ارفرو سندگان نشریات سیاسی دستگیر شدند.